

## روند تحولات در بحران قره‌باغ

### بهرام امیراحمدیان<sup>۱</sup>

با وجود گذشت بیش از ۵ سال از اجرای آتش‌بس بین دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان در جبهه‌های جنگ قره‌باغ کوهستانی، هنوز چشم‌انداز روشنی از برقراری صلح دیده نمی‌شود. با وجود اظهار تمایل رؤسای جمهور دو کشور به حل بحران و ادامه مذاکرات چندجانبه و دوجانبه و انجام گفتگوهای دوجانبه آنان در پایان مردادماه سال جاری در ژنو، هنوز صلح قره‌باغ در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. تضعیف موقعیت روسیه در قفقاز و تقویت جایگاه غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، در کاهش تنش در منطقه نیز تأثیر کمی داشته و در پاره‌ای موارد به زمینه‌سازی تعمیق بحران کمک می‌کند. بحران قره‌باغ راه‌حل نظامی ندارد و به همین جهت هر دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان از آن اجتناب می‌کنند. ادامه مذاکرات سازنده دوجانبه و دستیابی به مصالحه، هر دو طرف را ناگزیر خواهد ساخت که اندکی از خواسته‌های خود را کاهش دهند. اکنون اراده سیاسی رؤسای جمهور دو کشور برای ادامه مذاکره، بارقه امید به دل‌های مردم منطقه نشان می‌دهد.

در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۹۹ (۱۹ مهر ۱۳۷۸) حیدرعلی‌اف و رابرت کوچاریان رؤسای جمهور آذربایجان و ارمنستان در روستای صدرک نخجوان در مرز با ارمنستان با یکدیگر گفتگو کردند. این گفتگوها که سومین دور مذاکرات آنها بود و به مدت ۲ ساعت و ۱۰ دقیقه در پشت درهای بسته و بدون میانجی انجام شد، نقطه عطفی در مناسبات دو کشور و اراده سیاسی آنان برای حل مناقشه قره‌باغ است. هر دو رئیس‌جمهور در مصاحبه‌ای اعلام کردند که خواهان ادامه مذاکرات بدون میانجی تا کسب نتیجه مطلوب هستند. آنها اظهار داشتند که مناقشه قره‌باغ مسأله‌ای نیست که به‌سادگی قابل حل باشد، این جنگ ۱۲ سال پیش آغاز شده است و برای حل آن مدت‌ها وقت و مذاکره لازم است.<sup>۲</sup> قبل از انجام این مذاکره، در ۳۱ مرداد ۱۳۷۸ نیز رؤسای جمهوری دو کشور دومین دور مذاکرات محرمانه خود را به ابتکار واشنگتن

۱. دکتر بهرام امیراحمدیان، عضو هیات تحریریه فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

۲. خبرنامه آراکس شماره (۵۱) ۳.

در ژنو انجام دادند.<sup>۱</sup> پیش از این رؤسای جمهور هر دو کشور در تیر ماه در چارچوب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز دیداری داشته و با یکدیگر مذاکره کرده بودند. مسأله قره‌باغ موردی نیست که بتوان آن را در یک یا چند جلسه ملاقات میان رهبران دو کشور حل کرد. این مسأله شاید یکی از پیچیده ترین مسایل سیاسی جهان معاصر باشد که می‌توان آن را از نظر پیچیدگی سیاسی به مسأله لاینحل کشمیر تشبیه کرد.

سازمان امنیت و همکاری اروپا از ابتدای فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد در ارتباط با امنیت اروپا فعالیت‌های گسترده‌ای را در بحران قفقاز آغاز کرده است. از آنجا که اروپایی‌ها قفقاز جنوبی را در محدوده اروپا می‌شناسند (هر چند از نظر جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی این قسمت از جهان که جزو آسیا محسوب می‌شود) بروز هرگونه بحران در محدوده و در درون این قاره را تهدیدی برای اروپا می‌دانند. به همین سبب در مورد بحران‌هایی مانند بالکان (بوسنی و کوزوو)، قره‌باغ، قبرس، یونان و ترکیه و کردهای ترکیه (از جمله مسأله اوج آلان) که در اروپا و پیرامون آن رخ داده و می‌دهد، حساسیت زیادی از خود نشان می‌دهند.

گروه مینسک وابسته به این سازمان در مصوبه ۹ مه سال ۱۹۹۴ بین آذربایجان و ارمنستان آتش بس اعلام کرد که با توافق طرفین درگیر و حمایت روسیه، از ۱۲ ماه مه همان سال آتش بس به اجرا در آمد. از آن زمان تاکنون که مدت پنج سال سپری شده است، با وجود درگیری‌های پراکنده مرزی، آتش بس همچنان باقی است ولی تحول مهمی برای حل بحران صورت نگرفته است. ارمنستان همچنان اراضی اشغالی را در کنترل دارد و میلیون‌ها نفر آواره جنگی، در انتظار بازگشت به خانه‌های خویش در شرایط نامطلوبی بسر می‌برند.

طبیعی است که وقتی بحرانی همچون قره‌باغ که در مرزهای بلافصل ایران اتفاق می‌افتد، لازم است در سیاست خارجی ایران حساسیت بسیار زیادی به آن معطوف گردد. اروپا به‌ویژه اروپای غربی صدها کیلومتر تا مرکز بحران فاصله دارد، در حالی که بحران قره‌باغ و دیگر بحران‌های قفقاز هم مرز با قلمرو جمهوری اسلامی ایران است.

اتحادیه اروپا در پایان اجلاس سالانه خود در اول تیر ماه ۱۳۷۸ در لوکزامبورگ با توجه به اینکه ادامه بحران‌ها در منطقه قفقاز در راه توسعه سیاسی، اقتصادی و همکاری مشترک سه کشور ارمنستان، آذربایجان و گرجستان مانع بزرگی ایجاد کرده است، خواستار



تلاش کشورهای منطقه برای حل و فصل بحران و بازگشت صلح و آرامش به این منطقه شد.<sup>۱</sup> اتحادیه اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا برای سرعت بخشیدن به کسب درآمد از سرمایه‌هایی که در قفقاز و در بخش‌های اقتصادی از جمله نفت و گاز این منطقه انجام داده‌اند، خواستار ایجاد محیطی امن برای سرمایه‌های خود هستند.<sup>۲</sup>

دیدار رؤسای جمهور دو کشور در ژنو برخلاف تبلیغات وسیعی که برای برگزاری آن شده بود، نتایج مهمی در بر نداشت. بنابه گزارش روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری، نتیجه این دیدار، ادامه آتش‌بس پنج ساله بین دو جمهوری در قالب مصوبات گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری در اروپا بود. در این اجلاس رهبران دو کشور تصمیم گرفتند که هرچه زودتر وزرای دفاع دو طرف در زمینه مسایل مرزی و نظامی با یکدیگر به گفتگو بنشینند. به نظر نمی‌رسد که تحولات چشمگیری در روند حل مناقشه قره‌باغ در آینده نزدیک به وجود بیاید. هنوز اراده سیاسی دو طرف برای حل جدی مسأله، کاملاً شکل نگرفته است.

مسأله قره‌باغ و حل مسالمت‌آمیز آن، مورد علاقه ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن به‌ویژه ترکیه است. به‌ویژه آنکه اجرای طرح لوله نفت باکو - جیحان و جریان آرام نفت، نیازمند محیطی امن در قفقاز است که وجود منطقه مورد مناقشه قره‌باغ، نگرانی‌هایی را پیش روی ایالات متحده قرار می‌دهد. به همین سبب آمریکا، ترکیه و آذربایجان، خواهان حل مسأله قره‌باغ به هر طریق ممکن هستند. آذربایجان تمایل دارد که ایالات متحده آمریکا بر ارمنستان فشار وارد آورده و نیروهای آن کشور را به خروج از مناطق اشغالی و بازپس‌دهی کلیه اراضی آذربایجان وادار سازد. اما هم‌پیمانی ارمنستان با روسیه و وجود لایه‌های آرامنه در ایالات متحده و تعداد قابل توجه آرامنه در آمریکا و فرانسه و وجود افراد صاحب نفوذ در میان آنان، آذربایجان را در رسیدن به اهداف خود مایوس می‌سازد. با وجود دوستی آذربایجان و ایالات متحده، هنوز هم کنگره آمریکا آذربایجان را از کمک‌های بلاعوض

۱. روزنامه اطلاعات - ۱۳۷۸/۴/۲

۲. این سازمان بنا دارد برای کمک بیشتر به اجرای بهتر موازین سازمان، دفتری در ارمنستان دایر کند تا بتواند از این طریق ضمن تماس مستقیم با مقام‌های ارمنستان و افزایش همکاری‌ها در سطح بین‌المللی فعالیت کند. دفتر مذکور قرار است تا قبل از پایان سال جاری مسیحی کار خود را آغاز کند. در این دفتر یک نفر سرپرست و پنج کارشناس فعالیت خواهند داشت. اعضای این سازمان از ۵۴ کشور اروپای غربی، اروپای شرقی و جمهوری‌های شوروی سابق تشکیل شده‌اند (روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۵/۵).



خود محروم نگهداشته است، در حالی که همین کنگره کمک بلاعوض به مبلغ ۸۹/۶ میلیون دلار را به ارمنستان برای سال ۲۰۰۰ تصویب کرده که این عمل به شدت موجب نارضایتی آذربایجان شده است.<sup>۱</sup>

در آستانه برگزاری اجلاس سازمان امنیت و همکاری اروپا در اواخر آبان سال ۱۳۷۸ در استانبول، تحرکات زیادی برای انعقاد قرارداد صلح بین آذربایجان و ارمنستان توسط محافل جهانی و منطقه‌ای صورت گرفت که شامل فعالیتهای وزیر خارجه آمریکا و سفر یک‌روزه سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه در ۲۵ مهرماه سال جاری به باکو و مذاکره با حیدرعلی‌اف به منظور جلب رضایت باکو برای پذیرش شرایط صلح گروه مینسک بود. حادثه مجلس ارمنستان در اوایل آذرماه ۱۳۷۸ که منجر به کشته شدن نخست‌وزیر و رئیس مجلس و شش نفر دیگر از نمایندگان شد، در محافل بین‌المللی به‌عنوان حادثه‌ای تلخ در ارتباط با روند صلح قره‌باغ تلقی گردید.

مقامات آذری این حادثه را با هدف برهم زدن ثبات در ارمنستان و توسط نیروهای خارجی دانستند که در آستانه اجلاس استانبول می‌خواهند مانع امضای قرارداد صلح بین دو جمهوری شوند. خبرگزاری غیردولتی «آذپرس» به نقل از «آراز عظیم‌اف» معاون وزیر خارجه آذربایجان اعلام کرد که آن کشور آماده امضای قرارداد صلح با ارمنستان در اجلاس رهبران سازمان امنیت و همکاری اروپا در استانبول است.<sup>۲</sup> ولی آقای غریب‌جانیان سفیر ارمنستان در تهران در مصاحبه با روزنامه صبح امروز، حادثه ارمنستان را بی‌ارتباط با مسأله قره‌باغ ارزیابی کرد و اظهار داشت که این مسایل به هم مرتبط نیستند و فقط چند نفر تروریست به مجلس ارمنستان حمله و تعدادی را به قتل رسانده‌اند و انگیزه سیاسی نداشته‌اند.<sup>۳</sup>

حیدرعلی‌اف با ادامه مسأله قره‌باغ، در حال مباحثات در صحنه سیاسی قفقاز است و بقای خود را در ادامه وضع موجود می‌بیند. به همین سبب نیروهای ملی آذربایجان با سیاستهای او موافق نیستند و خواهان حل نهایی مسأله قره‌باغ هستند، استعفای «توفیق ذوالفقاراف» وزیر خارجه آذربایجان (پس از مدت کوتاهی که از انتصاب او می‌گذشت) در

۱. روزنامه اطلاعات، مورخ ۷۸/۸/۲۰.

۲. روزنامه اطلاعات، مورخ ۷۸/۸/۸.

۳. گفتگوی سفیر ارمنستان با روزنامه صبح امروز، مورخه ۷۸/۸/۱۸.



اوایل آذرماه ۱۳۷۸، در اعتراض به سیاستهای علی‌اف در مورد قره‌باغ صورت گرفت.<sup>۱</sup> آذری‌ها با دادن خودمختاری به قره‌باغ در چارچوب نظام حقوقی آذربایجان موافقت ولی در این زمینه پیش‌شرطی را قایل هستند که شامل خروج بدون قید و شرط نیروهای ارمنستان از مناطق اشغالی است. این پیشنهاد مورد توافق ارمنستان نیست و آنها ابتدا خواهان تعیین وضعیت حقوقی قره‌باغ و گرفتن تضمین‌های امنیتی لازم از آذربایجان هستند که مورد قبول و توافق ارمنه قره‌باغ و مجامع بین‌المللی باشد.

اجلاس سران سازمان امنیت و همکاری اروپا در اواخر آبان سال ۱۳۷۸ در استانبول که در آن رؤسای جمهور ارمنستان و آذربایجان نیز شرکت داشتند، نقطه امیدی برای حل مسأله قره‌باغ در نظر گرفته شده بود. با وجود دیدار رؤسای جمهور دو کشور با یکدیگر و دیدار جداگانه آنان با بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا و مذاکره پیرامون مسأله قره‌باغ، این اجلاس دستاورد قابل قبولی برای دو کشور دربر نداشت. هرچند، بنابه پیشنهاد رایبرت کوچاریان، تشکیل یک نظام امنیتی در قفقاز با مشارکت کشورهای منطقه، می‌تواند صلح را به قفقاز بازگرداند و حل مسأله قره‌باغ به نفع هر دو ملت آذربایجان و ارمنستان خواهد بود. حیدرعلی‌اف نیز بر تشکیل این پیمان با عضویت کشورهای ترکیه، آمریکا، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان و روسیه تأکید کرد.<sup>۲</sup> ولی نباید از نظر دور داشت که آمریکا یک کشور فرمانطقه‌ای است و روسیه تمایلی به شرکت این کشور در ترتیبات امنیتی منطقه ندارد.

به‌رحال اجلاس استانبول نتوانست در مورد قره‌باغ و صلح آذربایجان و ارمنستان گامهای مثبتی بردارد و حل این مسأله به آینده موکول شد، آینده‌ای که برای کشورهای منطقه چندان روشن نیست.

### پیشینه تاریخی

قره‌باغ منطقه‌ای تاریخی در قفقاز جنوبی و همسایگی شمال غرب ایران، در سرزمین جمهوری آذربایجان و در شرق ارمنستان، یکی از بحرانی‌ترین و خیر سازترین نقاط جغرافیایی جهان و میراث شوروی و دوره پایان جنگ سرد است که توجه بسیاری از مردم

۲. روزنامه همشهری، مورخ ۳۰ آبان ۱۳۷۸

۱. روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۷۸/۸/۴



جهان را به خود معطوف داشته است. نباید پنداشته شود که این نقطه بحرانی و وقایع غم‌انگیز آن مربوط به دوران شوروی است. زخم کهنه قفقاز از ابتدای سده نوزدهم میلادی بر پیکر سرزمین‌های اسلامی وارد آمده است، یعنی از دوره‌ای که سیاست‌های توسعه طلبانه روسیه تزاری، پس از جنگ‌های متعدد با ایران و در پی شکست امپراتوری عثمانی در قفقاز (که نتیجه سالیان دراز جنگ‌های بی حاصل دو دولت مقتدر ایران و عثمانی و ضعف مسلمین بود)، امکان حضور در قفقاز را یافته بود. پس از انعقاد قرارداد گلستان در سال ۱۸۱۳ و ترکمنچای در سال ۱۸۲۸ بین ایران و روسیه و ادرنه در سال ۱۸۲۹ بین روسیه و عثمانی، آرامنه بسیاری از ایران و ترکیه به قفقاز مهاجرت کردند و از آن زمان به تدریج در اراضی خان‌نشین‌های مسلمان قفقاز جنوبی ساکن شدند. در همین اثنا روسیه در قفقاز شمالی در حال پیشروی بود که با مقاومت مسلمانان آوار و چچن و دیگر اقوام داغستانی و چرکس‌ها به رهبری امام شامل روبرو بود. روسیه در نظر داشت از دو سو قفقاز را تحت سیطره خود در آورد. در جنوب با اسکان آرامنه و گسترش پیروان مسیحی و در شمال با کوچ قزاقان و دیگر روس‌ها در قفقاز شمالی. مقاومت مردانه سلحشوران قفقاز شمالی سالها به طول انجامید و با شکست امام شامل در سال ۱۸۵۶ فروکش کرد ولی در جنوب، اتحاد بین مسلمانان، همان‌گونه که گذشت در اثر شکست ایران و عثمانی و تفرقه بسیار شدید خوانین مسلمان، در هم شکسته شده بود. اسکان آرامنه مهاجر در قفقاز سبب از دست رفتن اراضی مسلمانان شد. این مهاجرت همچنان ادامه یافت و در سال ۱۹۱۵ پس از مهاجرت صدها هزار ارمنی آناتولی و آسیای صغیر به قفقاز، شدت یافت. مهاجرت تا به امروز ادامه داشته است. طبیعی است این مهاجرت‌ها سبب برهم زدن تعادل جمعیتی و اقتصادی مسلمانان و واکنش آنان در این مورد شده است. در دوره حکومت روسیه تزاری بین آرامنه و آذری‌ها در سال ۱۹۰۵ در باکو، گنجه، نخجوان، شوشا و برخی نقاط دیگر<sup>۱</sup>، درگیری‌های خونینی رخ داد که در نتیجه آنها تعداد زیادی آذری و اندکی آرامنه کشته شدند. قبل از برقراری حکومت شوروی و در دوره سقوط امپراتوری روسیه و اوایل انقلاب اکتبر نیز در سال‌های ۲۰ - ۱۹۱۷ قفقاز جنوبی شاهد درگیری‌های خونین آرامنه و آذری‌ها بوده است. طبیعی است که در این دوره اطلاعات گسترده ای نمی‌توانست منتشر

۱. برای اطلاعات بیشتر به کتاب «قائلی سنه لربايل لربا» نوشته محمد سعید اردوبادی، چاپ باکو ۱۹۹۲، مراجعه شود.



شود. علاوه بر آن در دوره هفتاد ساله شوروی نیز مسأله قره‌باغ و بحران آن وجود داشت، ولی به سبب وجود حکومت کمونیستی در بیرون انعکاس نمی‌یافت و امکان طرح در جامعه جهانی را بدست نمی‌آورد و بحران کنترل می‌شد. در سالهای قبل و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم در دهه‌های ۴۰ تا ۸۰ قرن بیستم حوادث زیادی در این منطقه اتفاق افتاده است (همانند تبعید و بازگشت از تبعید اقوام قفقاز شمالی و مسخ‌تی‌های گرجستان در قفقاز جنوبی). بحران قره‌باغ در دوره گورباچف و ایجاد فضای باز سیاسی امکان بروز یافت و با ضعف حکومت مرکزی و از دست رفتن اقتدار آن در جمهوری‌های پیرامون، مسأله قره‌باغ در جامعه جهانی مطرح و به بحرانی جهانی تبدیل شد.

ارامنه تمایل زیادی به ایجاد دولت - ملت فراگیر در سرزمین موعود خود در اطراف کوه مقدس آارات دارند و اندیشه تشکیل دولت ملی سالهاست که در بین نسلهای گذشته و کنونی ارامنه به آرمانخواهی تبدیل شده‌است. آنها آرامش خود را در گرد آمدن کلبه ارامنه از آذربایجان، ایران، لبنان، آمریکای شمالی و جنوبی و دیگر نقاط جهان در سرزمین خود جستجو می‌کنند. از طرف دیگر ترکها خواهان پیوستگی سرزمینی با یکدیگر در آسیای صغیر، قفقاز و آسیای مرکزی هستند. در زمان وجود ابرقدرت مقتدر و جهانی شوروی نه ترکهای آذری و نه ارامنه، امکان دستیابی به آرزوی خود در تشکیل یک کشور مستقل را نداشتند.



### اهمیت منطقه قفقاز

اهمیت بحران قره‌باغ به اهمیت استراتژیکی راهبردی و موقعیت جغرافیایی آن مربوط می‌شود و در ارتباط مستقیم با اهمیت موقعیت جغرافیایی قفقاز است. بنابراین بدون درک اهمیت راهبردی قفقاز بررسی روند تحول بحران قره‌باغ امکان‌پذیر نیست.

قفقاز محل تلاقی دو پیمان نظامی عمده جهان در دوره جنگ سرد بود. قلمروهای پیمان ناتو و پیمان ورشو در قفقاز با یکدیگر تلاقی می‌کردند. در این منطقه که حیات خلوت روسیه بود، دو قلمرو ژئو استراتژیکی جهان به هم می‌پیوستند. ترکیه به عنوان تنها کشور مسلمان عضو پیمان ناتو در ساحل جنوبی دریای سیاه، پایگاههای مهم شتود آمریکا را در پایگاه دریایی «سینوپ» و «توابوزان» در خود مستقر کرده‌است. این پایگاهها، همراه پایگاه هوایی بسیار عظیم «دیاربکر» در جنوب شرقی ترکیه و نیز پایگاه هوایی «انجیرلیک» در بندر



اسکندرون، همه بر علیه شوروی و در حقیقت کنترل قفقاز و جلوگیری از حمله پیمان ورشو به قلمرو پیمان ناتو فعال بودند. اکنون پس از پایان جنگ سرد، تفکر محاصره‌سازی<sup>۱</sup> (دربریگری) روسیه و انحلال پیمان ورشو، دامنه فعالیت‌های ناتو گسترش یافته است، در حالی که روسیه تصور می‌کرد بعد از انحلال پیمان ورشو، پیمان ناتو نیز منحل یا فعالیت نظامی آن محدود خواهد شد.

از سوی دیگر منابع نفت دریای خزر، که بنا به ادعای غربی‌ها جزو سومین ذخایر مهم جهان بعد از خلیج فارس و سیبری است، در شرق قفقاز قرار دارد که برای دسترسی به آن ایالات متحده بر خود فرض می‌داند در آنجا حضور داشته باشد و از سرمایه‌های خود دفاع کند.<sup>۲</sup> در حقیقت این سناریو بهانه‌ای برای حضور در منطقه به منظور بازداشتن ایران و روسیه از حضور در قفقاز، خارج کردن قفقاز از حوزه نفوذ روسیه و جلوگیری از همکاری مستقیم روسیه با ایران (و تکمیل محاصره سازی ایران از شمال) و عدم دسترسی روسیه به فضای تنفسی بیشتر از سمت جنوب است. تقسیم بخشی (سکتورال) دریای خزر این مسأله را تشدید کرده و سبب انزوای کامل ایران در حوزه خزر خواهد شد. این موارد زمانی شدت گرفته است که حکومت روسیه رفتار بحران مشروعیت داخلی و بحران اقتصادی و سیاسی است و مسأله بالکان و حل آن بدون حضور فعال روسیه و حمله نظامی ناتو به یوگسلاوی، متحد روسیه، علی‌رغم اخطارهای شدید روسیه، صورت گرفته است. خروج قفقاز از حیطه نفوذ روسیه نیز در زمان‌هایی صورت گرفت که بحران فروپاشی یوگسلاوی و تجزیه آن و بحران یوسنی و کروواسی و نیز خروج اوکراین از سیطره مسکو و مسأله تقسیم ناوگان دریای سیاه و شبه جزیره کریمه، روسیه را در غرب و جنوب غربی به خود مشغول داشته بود. این مسایل تصادفی نیست و در همه آنها رد پای از غرب و توطئه‌های آن را می‌توان به سادگی مشاهده

۱. طرح معروف Containment اولین بار توسط ترومن رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۴۷ عنوان شد. براساس این طرح، ایالات متحده آمریکا حضور نظامی خود را در سراسر جهان، به ویژه در بین کشورهای دوست گسترش داد. این تفکر در تمام طول دوره جنگ سرد توسط آمریکا دنبال می‌شد.

۲. اظهارات متعدد وفا قلی زاده مشاور سیاسی و امنیتی رئیس جمهور آذربایجان و تعدادی دیگر از مقامات آذری دایر بر ضرورت واگذاری پایگاه نظامی به ناتو در شبه جزیره آبشرون، در ساحل غربی دریای خزر، چراغ سبزی به حضور ایالات متحده و ناتو در مهمترین نقطه جغرافیایی قفقاز است. در برابر اعتراض کشورهای منطقه به این طرز تفکر، آذری‌ها پیمان استراتژیک ارمنستان و روسیه و همکاری‌های گسترده نظامی آنان را بهانه‌ای برای تهدید امنیت خود می‌دانند.





کرد. کما اینکه حمله آمریکا به عراق نیز با استفاده از فرصت بدست آمده در آغاز فروپاشی شوروی انجام شد.

صدور نفت حوزه خزر از سه طریق: جنوب (از ایران)، شمال (از روسیه) شرق (از چین) و غرب (از طریق دریای سیاه یا مدیترانه) امکان پذیر است. انتخاب مسیر انتقال نفت منابع خزر از طریق آذربایجان و گرجستان به دریای سیاه (مسیر غرب) و آغاز صادرات آن در اواسط سال ۱۹۹۹ نشان دهنده عزم راسخ ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در تحمیل اراده سیاسی خود بر منطقه و ادامه حرکت در راستای سناریوهای از پیش تعیین شده است، درحالی که بر همگان روشن است که امن ترین، ارزان ترین و کوتاه‌ترین مسیر در وهله اول ایران است. مسیر انتقال نفت به گونه‌ای انتخاب شده است که ایران، روسیه و ارمنستان نقشی در آن نداشته باشند، در حالی که حتی برای انتقال نفت به ترکیه و از آنجا به مدیترانه، هم قلمرو ارمنستان و هم ایران نیز می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد. بحران قره‌باغ و ستیزه جویی ارمنستان این معادله را نیز لاینحل گذاشت.

برزخ طبیعی قفقاز که سواحل شرقی دریای سیاه را به سواحل غربی دریای خزر متصل می‌کند، تنها دالان طبیعی برای نفوذ به منطقه است و دسترسی به ایران و پیرامون دریای خزر از طریق گذر از این برزخ طبیعی امکان پذیر می‌شود. به همین سبب برای عملیات زمینی در منطقه، از سمت اروپا، برزخ طبیعی قفقاز مهمترین دالان نفوذی است.

منطقه قفقاز بخشی از سرحدات روسیه را تشکیل می‌دهد، به همین دلیل هم در دوره تزاریسم و هم دوره حکومت شوروی، به سبب ویژگی‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. کوههای قفقاز به عنوان سدی طبیعی در مقابل جنوب، از ارزش راهبردی بسیاری برای روسیه برخوردار است. به همین سبب روسیه حساسیت ویژه‌ای در برابر مرزهای جنوبی خود دارد که در این منطقه منطبق با خط‌الرأس کوههای قفقاز بزرگ است. گرجستان و آذربایجان در جنوب این سرحدات قرار دارند. داغستان، چچن، اوستیا، کاباردابالکار و قاراجای چرکس در شمال این منطقه قرار دارند، قره‌باغ در جنوب این سرحدات از اهمیت راهبردی ویژه‌ای برای روسیه و غرب برخوردار است. آذربایجان و گرجستان داوطلب پیوستن به ناتو هستند و عضویت آنها در کنار پذیرفته شدن در شورای اروپا، منطقه قفقاز را تحت نفوذ آمریکا و ناتو قرار خواهد داد و ارتباط راهبردی روسیه و ارمنستان را قطع



خواهد کرد. علاوه بر آن ارتباط زمینی ایران و روسیه نیز از طریق آذربایجان به مخاطره می‌افتد. ورود ارمنستان به این بازی و مشارکت در اردوی غرب و پیوستن به ناتو، برابر پذیرش ترکیه و همکاری نزدیک با این دشمن دیرینه است، موردی که بسیاری از محافل و احزاب سیاسی ملی ارمنستان را ناراضی خواهد کرد و حکومت ارمنستان را تحت فشار داخلی و خارجی قرار خواهد داد و مقامات ارمنستان از این مسأله بیم دارند. از طرفی ترکیه هم تمایلی به نزدیکی به ارمنستان ندارد، زیرا نزدیکی زیاد ترکیه به آذربایجان با پیش شرط نبود ارتباط با ارمنستان برقرار شده است. مهمتر این که ورود ارمنستان به ناتو سبب تمکین این جمهوری به آذربایجان و بازپس‌دهی سرزمین‌های اشغالی خواهد شد، زیرا همان‌طور که گفته شد آذربایجان برای باز پس‌گیری سرزمین‌های اشغالی، سرمایه‌داران غربی را برای سرمایه‌گذاری فراخوانده است و سرمایه‌های نیازمند امنیت است.

### مراحل تکوین بحران قره‌باغ

آذربایجان در سالهای پایانی حکومت شوروی بر سر مسأله قره‌باغ کوهستانی، درگیر مناقشه‌ای خونین با همسایه خود ارمنستان شد. آذربایجانی‌ها خواستار کنترل مجدد قره‌باغ و علاوه بر آن اتصال جغرافیایی نخجوان به آذربایجان بودند، آرزوهایی که با تنزل اقتصادی، بیداری و خیزش ناسیونالیسم و رشد جنبش‌های استقلال طلبانه توأم بود. جبهه خلق آذربایجان، پس از برگزاری چندین اعتصاب عمومی، در پائیز ۱۹۸۹ تشکیل شد و خواستار حل مسأله مناقشات ارضی و استقلال سیاسی بود. در سپتامبر سال ۱۹۸۹ آذربایجان تمامیت ارضی خود را اعلام نمود و خواهان جایگزینی قوانین ملی بجای قوانین اتحاد شوروی شد. با توجه به قرار داشتن جمهوری‌های قفقاز جنوبی در منطقه ای اقتصادی به همین نام در دوران شوروی و وجود سیستم‌های مشترک در بسیاری از زمینه‌های گوناگون از جمله سوخت و انرژی و تأمین انرژی ارمنستان و قره‌باغ از طریق آذربایجان، پس از اعلام استقلال آرامنه قره‌باغ و حمایت ارمنستان از آنها، آذربایجان این مناطق را از نظر حمل سوخت و مواد غذایی در محاصره قرارداد. ارمنستان نیز در اواسط همان سال، فشارهای خود را برای اتحاد با قره‌باغ کوهستانی شدت داد. در ژانویه سال ۱۹۹۰ درگیری‌های داخلی آذربایجان، به ویژه بین جبهه ملی و دولتمردان کمونیست به حد انفجارآمیز رسید. آذربایجانی‌های نخجوان موانع مرزی با

ایران را بر چیدند، گروه‌های جبهه ملی خواستار سرنگونی شوراهای شهرهای مختلف و قتل عام ارامنه و اخراج آنان از باکو شدند. در ۱۸ ژانویه جبهه خلق ادعا کرد که حکومت را در باکو به‌دست گرفت. شب بعد، قوای نظامی شوروی وارد باکو شد و در عملیاتی خونین تعداد زیادی از مردم شهر را بخاک و خون کشید.

درگیری در قره‌باغ کوهستانی، اعلام وضعیت اضطراری و دستگیری تعدادی از رهبران جبهه خلق سبب دستیابی گسترده حزب کمونیست آذربایجان به اکثریت آرا و پیروزی در انتخابات شورای عالی جمهوری در سال ۱۹۹۰ شد. همه‌پرسی مارس ۱۹۹۱ نشان داد که اکثریت مردم آذربایجان خواهان بازگشت مجدد اتحاد شوروی هستند. شکست کودتای نا فرجام اوت ۱۹۹۱ در مسکو، موجب فراخوان مجدد برای استقلال شد و در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ آذربایجان اعلام استقلال کرد. اندکی بعد ایاز مُطَلَب اف دبیر اول سابق حزب کمونیست آذربایجان، به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شد.

از آغاز سال ۱۹۹۲، جنگ قره‌باغ سیاست‌های آذربایجان را تحت‌الشعاع خویش قرار داد. شکست یا پیروزی در جبهه در سرنوشت رهبران سیاسی نقش تعیین‌کننده داشت. پس از قتل عام آذری‌ها در دهکده «خوجالی»، موجی از ناآرامی باکو را فراگرفت. آقای مطلب اوف ناگزیر به ترک قدرت در ماه بعد شد. در ماه مه، پس از سقوط مستحکمترین سنگرهای مقاومت آذربایجانی‌ها در قره‌باغ کوهستانی، جبهه خلق آذربایجان مرکز تلویزیون و ساختمان مجلس را به تصرف خود درآورده و عیسی قنبراف را به عنوان رئیس جمهور موقت انتخاب کرد. انتخابات برای ماه ژوئن برنامه‌ریزی شد و رهبر جبهه خلق، ابوالفضل ایلچی بیگ با کسب ۵۹ درصد از کل آرا به عنوان رئیس جمهور برگزیده شد.

نخستین موفقیت‌های آذربایجان در جنگ قره‌باغ کوهستانی عمری کوتاه داشت. نیمه اول سال ۱۹۹۳ شاهد رشته‌ای از پیروزی‌های دور از انتظار ارامنه شامل گسترش «دالان بشر دوستی» بین ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی برای انضمام ناحیه گل‌بَجَر و تسخیر شهر اصلی «آغدام» بود که در خارج از محدوده قره‌باغ قرار داشت. با وخامت بحران نظامی، ایلچی بیگ روز به روز تضعیف می‌شد و تهمت‌های بی‌لیاقتی و فساد علیه او، تأثیرات بسیاری بر جای گذاشتند.

در اثنای درگیری‌های گسترده در جبهه‌ها، آذربایجان درگیر جنگ قدرت در داخل بود.

در آغاز ژوئن ۱۹۹۳ شورشی که در گنجه، دومین شهر بزرگ جمهوری در گرفته بود، تبدیل به طغیانی همه جانبه به رهبری سرهنگ صورت حسین اف شد. ایلچی بیگ، حیدر علی اف، دبیر اول اسبق حزب کمونیست و رئیس پارلمان نخجوان را برای بدست گیری ریاست پارلمان آذربایجان به باکو دعوت کرد. در ۱۸ ژوئن هنگامی که قوای صورت حسین اف به ۱۵ کیلومتری باکو رسیدند، ایلچی بیگ ناچار به گریز به نخجوان شد و مجلس انتقال قدرت به علی اف را تصویب کرد.

### تلاش های باکو برای باز پس گیری سرزمین های اشغالی

حیدر علی اف برای بدست آوردن موافقت ارمنستان به تخلیه اراضی اشغالی، با استفاده از فرصت بدست آمده و وجود بحران اقتصادی و سیاسی در ارمنستان، زمینه را برای برقراری روابط مجدد مناسب دید و در مه سال ۱۹۹۷ پیشنهاد همکاری به ارمنستان داد. در این پیشنهاد علی اف موافقت خود را به عبور لوله نفت آذربایجان از قلمرو ارمنستان اعلام کرد. ترپتوسیان در پاسخ به اظهارات علی اف، ضمن ابراز علاقه مندی کشورش به عبور خط لوله نفتی جمهوری آذربایجان از خاک خود، آنرا برای هر دو طرف مفید ارزیابی کرد، اما تأکید نمود که این موضوع باید جدای از مسأله قره باغ بررسی شود.<sup>۱</sup> قبلا نیز آمریکا خواستار عبور لوله نفت آذربایجان از طریق ارمنستان و بهبود روابط بین دولت های آنکارا و ایروان شده بود.<sup>۲</sup>

در خرداد ماه ۱۳۷۶ گروه مینسک در ادامه گفتگوهای خود برای حل بحران قره باغ، با رؤسای جمهوری ارمنستان، آذربایجان و رهبر جدایی طلبان قره باغ به طور جداگانه دیدار و گفتگو کرد. ارمنستان با پیشنهاد این گروه برای آزادی اراضی اشغالی مخالفت کرد. براساس این طرح قرار بود اراضی اشغالی در دو مرحله آزاد شود. در مرحله اول ۶ شهر «کلیجر»، «زنگیلان»، «قبادلی»، «جبرائیل»، «فضولی» و «آقدام» در جنوب غربی جمهوری آذربایجان آزاد شوند، آوارگان به منطقه برگردند و خطوط ارتباطی بین دو طرف در گیر برقرار شود.<sup>۳</sup>

فعالیت های گروه مینسک در باره اراضی اشغالی نتایج عملی در پی نداشت.

۲. روزنامه اطلاعات ۲۳/۵/۱۳۷۳

۱. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳/۲/۱۳۶۶

۳. روزنامه اطلاعات مورخ ۲/۶/۱۳۷۶

آذربایجان از شناسایی جدایی طلبان قره‌باغ به عنوان طرف مذاکره خودداری می‌کند و پذیرش آنها را دلیل رسمیت دادن و شناسایی آنها قلمداد می‌کند.

با فعال شدن اتحادیه اروپا و غرب در قفقاز، گسترش ناتو به سوی شرق و عضویت جمهوری‌های قفقاز در طرح مشارکت برای صلح ناتو، از میزان نفوذ روسیه کاسته شد. در اواخر ژوئن ۱۹۹۷ یلتسین پس از دیدار با حیدر علی‌اف، به یوگنی پریماکف وزیر خارجه روسیه دستور داد در حل مسأله قره‌باغ به آذربایجان کمک کند. اما این قول همانند موارد قبل به فراموشی سپرده شد.

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در قره‌باغ در اوایل سپتامبر سال ۱۹۹۷ و انتخاب رابرت کوچاریان رئیس‌جمهور خود خوانده قره‌باغ کوهستانی به ریاست جمهوری ارمنستان آذربایجان را به شدت عصبانی کرد. آرکادی غوکاسیان وزیر خارجه جمهوری خود خوانده قره‌باغ اعلام کرد که قره‌باغ نمی‌تواند بخشی از آذربایجان باشد.<sup>۱</sup> موافقت مجلس نمایندگان آمریکا با پرداخت کمک‌های مالی به قره‌باغ و محروم ساختن مجدد آذربایجان از کمک‌های آمریکا،<sup>۲</sup> آذربایجان را دچار دلسردی کرد.

بحران قره‌باغ در مرکز قفقاز جنوبی و آبخازیا در غرب قفقاز جنوبی، مسیر انتقال نفت آذربایجان را به کنار دریای سیاه به مخاطره می‌اندازد. رئیس‌جمهور آذربایجان تمایل دارد این بحران‌ها هرچه زودتر حل و فصل شوند و از آمریکا تقاضا کرده است در این مورد به باکو کمک کند. شوارد نادره رئیس‌جمهور گرجستان نیز در دیدار خود از آمریکا در سال ۱۹۹۷ و سالهای بعد خواستار کمک آمریکا برای حل مسأله آبخازیا شده است. اما آمریکا با خویشتنداری با این مسایل برخورد کرده است.<sup>۳</sup> علی‌اف و شوارد نادره خواهان امنیت منطقه برای صدور آرام انرژی و کسب دلارهای نفتی برای توسعه و تقویت بنیه نظامی و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی خود هستند. آمریکا نیز با وجودی که اکنون به انرژی منطقه نیازی ندارد، ولی بسیار تمایل دارد که حضور خود را در منطقه گسترش دهد، زیرا ذخایر انرژی منطقه جاذبه‌های اقتصادی - سیاسی زیادی را برای آمریکا بدنبال دارد.<sup>۴</sup> ولی نباید از نظر دور داشت

۱. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۷۶/۶/۱۵

۲. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۷۶/۶/۲۹

۳. روزنامه کامرسانت دپلی چاپ مسکو به نقل از روزنامه اطلاعات - اطلاعات ضمیمه - تاریخ ۱۳۷۶/۵/۱۹

۴. در این مورد روزنامه مردم چاپ چین علاقه مندی آمریکا را به منطقه در مقدار قابل توجه ذخایر نفت و گاز منطقه و نیاز آینده غرب را به آن در آینده از دلایل این تمایل ذکر می‌کند.

که بازپس گیری سرزمین‌های اشغالی موردی نیست که به این زودی‌ها امکان پذیر باشد و منطقه قره‌باغ با مسیر انتقال فاصله زیادی دارد، هر چند ارامنه بارها تهدید به جلوگیری از این جریان کرده‌اند. با ادامه این روند یلتسین در مورد تحرکات آمریکا در قفقاز به شدت به واشنگتن هشدار داد و اعلام کرد که منطقه قفقاز برای روسیه از اهمیت راهبردی برخوردار است.<sup>۱</sup>

آذربایجان یکی از نخستین کشورهای شوروی است که تمایل بسیار به پیوستن به ناتو دارد. علی‌اف می‌خواهد با پیوستن به ناتو اراضی اشغالی را پس بگیرد، وزیر دفاع روسیه گفته بود که آذربایجان باید بداند که ناتو، سرزمین‌های اشغالی را به آذربایجان پس نمی‌دهد، ولی اگر آذربایجان با روسیه همکاری کند حل مسأله سریعتر و آسان تر خواهد بود.

جنگ قره‌باغ و ادامه اشغال بخشی از سرزمین‌های آذربایجان توسط ارمنستان و همپیمانی آن با روسیه، این جمهوری را در جامعه جهانی منزوی کرد. بحران سیاسی در داخل و جنگ قدرت بین افراطیون و اصلاح طلبان، بحران اقتصادی، کاهش درآمد دولت، بیکاری و سایر مسائل، موجب اعتراض مردم به دولت شد و جنگ قدرت بین جناح‌های مختلف را شدت بخشید. ترپتروسیان و همفکران او خواهان حل سریع مسأله قره‌باغ و پیوستن به جامعه جهانی بودند. رابرت کوچاریان رئیس سابق کمیته قره‌باغ و رئیس جمهور جدید قره‌باغ، از یاران نزدیک پتروسیان یکی از مهمترین مخالفانی بود که رئیس جمهوری را به سازشکاری متهم می‌کرد. پتروسیان با انتخاب او به عنوان نخست وزیر، تصمیم داشت او را مستقیماً در گیر مسایل ارمنستان کند تا او مشکلات را از نزدیک لمس و به جبهه او بپیوندد. با این وجود افراطیون ارمنی خواستار ادامه جنگ با آذربایجان و عدم بازپس دهی اراضی اشغالی بودند. حزب داشناکسیون که توسط ترپتروسیان منحل و غیر قانونی شده بود، در این ماجرا نقش فعال داشت. در اوایل سال ۱۹۹۸ آوانسیان رهبر حزب داشناک ارمنستان که از سال گذشته دوره محکومیت خود را به جرم کودتا علیه حکومت ارمنستان می‌گذراند، از زندان آزاد و فعالیت این حزب مجدداً آغاز شد.<sup>۲</sup> فشار افراطیون و انتقاد شدید آنان به پتروسیان در نشان دادن نرمش در باره بحران قره‌باغ و اتخاذ وضع آشتی جویانه، سبب استعفای او از مقام خویش شد. در ادامه این بحران رئیس مجلس و معاونان او نیز استعفا



دادند. با روی کار آمدن کوچاریان و همفکران او، موضع ارمنستان در باره قره‌باغ تندتر شد. ارمنستان که خود را در منطقه تنها می‌دید، روابطش را با روسیه به عنوان حامی خود افزایش داد، زیرا پیوستن آذربایجان و گرجستان به اردوگاه غرب و تمایل آنها برای پیوستن به ناتو، ارمنستان را تهدید می‌کرد.

رابرت کوچاریان در اواسط مه ۱۹۹۸ در دیدار با روسای گروه مینسک در ایروان اظهار داشت که ارمنستان خواهان حل کلی و بدون قید و شرط بحران قره‌باغ است. وی اظهار داشت که موضوع اصلی در حل بحران قره‌باغ، تعیین وضعیت سیاسی این منطقه است و گفتگوها نیز باید فقط روی همین محور استوار باشد. کوچاریان گفت که الحاق قره‌باغ کوهستانی به جمهوری آذربایجان غیر ممکن است. به اعتقاد رئیس جمهور ارمنستان برای حفظ موازنه قدرت در منطقه، برقراری یک سیستم امنیتی فرامنطقه‌ای لازم و ضروری است. در مقابل، در دیدار این هیأت با حیدر علی‌اف، رئیس جمهور آذربایجان اظهار داشت «من امیدوارم یا تداوم همکاری با این سازمان بتوانیم به حل مسالمت آمیز این بحران دست یابیم. ما امید زیادی به سازمان امنیت و همکاری اروپا در جهت حل مناقشه قره‌باغ داریم».<sup>۱</sup>

سال ۱۹۹۷ برای آذربایجان سال ناکامی لقب گرفت. صابر رستمخانلی رهبر حزب همبستگی ملی آذربایجان اظهار کرده بود «در سال ۹۷ زحمات چندین ساله نهادهای بین‌المللی برای حل مناقشه قره‌باغ کوهستانی به دلیل تأکید دولت‌های بزرگ در جهت منافع آنها نتیجه‌ای در بر نداشته است».<sup>۲</sup> نارضایتی عمومی مردم آذربایجان از وضعیت اقتصادی و عدم تحرک در روند حل مسأله قره‌باغ شدت گرفت. خانواده‌های بی سرپرست و آسیب دیدگان جنگ قره‌باغ، آوارگان جنگی و بازگشت آنها به خانه و کاشانه خود، دغدغه‌ای است که هم دولت و هم مردم را از وضع فعلی ناخشنود و روند شکل‌گیری بحران داخلی را فراهم می‌سازد. مخالفان سیاسی حکومت از این شرایط به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند.

سال ۱۹۹۸ سالی پر تحرک برای قفقاز بود. با وجود نزدیکی آذربایجان به آمریکا و سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در طرح‌های نفتی آذربایجان، آمریکا یک کمک ۱۲/۵ میلیون دلاری به جدایی خواهان قره‌باغ اختصاص داد. علاوه بر آن، با آنکه باکو بارها از آمریکا تقاضا کرده بود که اصلحیه ۹۰۷ کنگره آمریکا درباره متوقف ساختن کمک‌های آمریکا به



آذربایجان را لغو کند، با این وجود به نتیجه ای نرسید. ولی آمریکا به ارمنستان کمک ۷۰ میلیون دلاری اعطا کرد. این امر حاصل تلاش لابی ارمنستان در آمریکاست که بسیار فعالند. تعدادی از اعضای کنگره آمریکا خواهان آن شدند که باکو مستقیماً با جدایی خواهان قره‌باغ وارد مذاکره شود که انجام این کار به معنی شناسایی قره‌باغ است. این تحرکات سبب انتقاد شدید احزاب و افکار عمومی آذربایجان از علی‌اف شد که نتوانسته است نسبت به روند مذاکرات تحولی پیش آورد.<sup>۱</sup>

در انتخابات ارمنستان رابرت کوچاریان به پیروزی رسید و مرحله پیچیده‌ای از بحران قره‌باغ آغاز شد. آذری‌ها از روی کار آمدن کوچاریان در ارمنستان بیمناکند و می‌دانند که در رأس قدرت جمهوری ارمنستان همفکران کسانی قرار دارند که از آغاز قرن بیستم خواهان تشکیل ارمنستان مستقل و یکپارچه هستند و در این راه حتی در دوران خفقان کمونیستی نیز با جرأت و جسارت از آرمان‌های خویش دفاع کرده‌اند. به همین سبب آذربایجان وارد همکاری‌های سیاسی و نظامی با غرب شده است که در این راه گرجستان را به دنبال خود می‌کشد. برای این دو جمهوری تولید، استخراج و صدور نفت مهمترین اولویت سیاست داخلی و خارجی است.

### تحول در دیدگاه‌های سیاست خارجی ارمنستان

در اوایل ژوئیه ۱۹۹۸ واردان اوسکانیان وزیر خارجه ارمنستان در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری آذربایجان (توران) اظهار داشت: ابروان از ابتدا با مصوبات اجلاس لیسبون در پرتغال مخالف بود.<sup>۲</sup> وی اظهار داشت که صلح قره‌باغ باید بدون هیچ قید و شرطی از سر گرفته شود و این مذاکرات می‌تواند به صورت شش جانبه و یا دو جانبه برگزار شود. او برای انجام مذاکره دو راه پیشنهاد کرد، یکی با حضور سران گروه مینسک به همراه ارمنستان، جمهوری آذربایجان و قره‌باغ و راه دیگر بطور مستقیم بین جمهوری آذربایجان و قره‌باغ است. وزیر خارجه ارمنستان مذاکرات مستقیم بین آذربایجان و قره‌باغ را راه حل سازنده برای

۱. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۷

۲. در اجلاس سازمان امنیت و همکاری اروپا در سال ۱۹۹۶ از ارمنستان خواسته شده بود نسبت به باز پس دهی اراضی اشغالی و بازگشت به مرزهای قبل از فروپاشی شوروی اقدام و از آرامنه قره‌باغ خواسته شده بود در چارچوب تمامیت ارضی آذربایجان نسبت به انجام مذاکرات صلح اقدام کنند.





حل مناقشه در این منطقه ذکر کرد و به آذربایجان یاد آور شد که باکو باید از فکر اعطای خود مختاری به قره‌باغ در ترکیب دولت آذربایجان دست بردارد. ارمنستان از سیاست شناسایی قره باغ به عنوان یک کشور مستقل حمایت می‌کند. وی در عین حال از سیاست آذربایجان در زمینه استفاده از نفت به عنوان اهرمی بر علیه ارمنستان انتقاد کرد و اظهار داشت این سیاست تا زمانی که ادامه دارد نمی‌تواند برای کشورهای منطقه سودی در بر داشته باشد.<sup>۱</sup>

با کناره‌گیری اوسکانیان از وزارت خارجه ارمنستان، «آرمن دارینیان» وزیر خارجه ارمنستان شد و در یک اظهار نظر تعجب آور در اوایل اکتبر ۱۹۹۸ به روزنامه «لوس آنجلس تایمز» گفت، ایروان از فکر استقلال قره‌باغ یا الحاق آن به ارمنستان منصرف شده است. او اظهار داشت: ما برای حل مسالمت آمیز بحران قره‌باغ کوهستانی از این دو ایده دست برداشته‌ایم.<sup>۲</sup> این اظهارات چند روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان بود و به نظر می‌رسد که آرامنه قصد آن داشتند که با این تبلیغات، آذری‌ها نامزد دیگری را به جای علی‌اف برگزینند. انتخابات آذربایجان به نظر برخی از ناظران بین‌المللی و نامزدهای دیگر، با تقلب همراه بود و حتی ایالات متحده به غیر دموکراتیک بودن این انتخابات اعتراض کرد. در نهایت با وجود پاره‌ای اعتراضات داخلی از سوی احزاب آذربایجان و برخی از سازمان‌های بین‌المللی، علی‌اف مجدداً رئیس‌جمهور شد.

از سوی دیگر، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران از وین گزارش کرد که در ۱۶ اکتبر ۱۹۹۸، سازمان امنیت و همکاری اروپا اعلام کرده بود که ازمونه قره‌باغ طرح جدا شدن از قره‌باغ را رها کرده و برای یافتن راه حل رفع این بحران، ضمن حفظ روابط با این جمهوری ابراز تمایل کرده بودند. سازمان امنیت و همکاری اروپا اعلام کرده بود که با ترکیبی از دیپلماتهای آمریکا، روسیه و فرانسه پس از عزیمت به منطقه و گفتگو با مقام‌های جمهوری آذربایجان و ارمنستان و نمایندگان قره‌باغ، نتوانسته بود نظر طرفین را برای رفع بحران قره‌باغ از طریق مسالمت آمیز جلب کند.<sup>۳</sup>

برخلاف ادعاهای آذربایجان مبنی بر دیدگاه سازش‌ناپذیر رئیس‌جمهور ارمنستان، رابرت کوچاریان نشان داده است که حاضر به صلح با آذربایجان است. مشکل اساسی در این

۲. روزنامه اطلاعات مورخ ۷۷/۷/۱۸

۱. روزنامه اطلاعات ۱۳۷۷/۴/۲۰

۳. روزنامه اطلاعات مورخ ۷۷/۷/۱۸



راه مواضع تغییرناپذیر آذربایجان است که می‌خواهد به وضعیت قبل از جنگ بازگردد و این برای ارامنه قره‌باغ قابل قبول نیست. دیدارهای متعدد رهبران دو کشور نشان‌دهنده اراده سیاسی دوطرف است. پس از دیدار دو رهبر در حاشیه کنفرانس «یالتا» مقرر شده بود که در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در استانبول در اواخر آبان ۱۳۷۸ در این مورد تصمیم‌گیری شود که متأسفانه این اجلاس دستاورد روشنی دربر نداشت.

آذربایجان تصمیم دارد که در دوازدهم دسامبر در مورد سرنوشت قره‌باغ همه‌پرسی برگزار کند و در آن درباره نظام حقوقی قره‌باغ کوهستانی از مردم آذربایجان پرسش خواهد شد.<sup>۱</sup>

### آذربایجان و آخرین تهدیدها علیه ارمنستان

آذربایجان که از زمان شکست در جبهه‌های نبرد نتوانست از طریق دیپلماسی به خواست‌های خود در بازپس‌گیری اراضی اشغالی دست یابد، متوسل به حربه‌های اقتصادی شد که آن هم کارساز نبود، زیرا با وجود شرکت‌های چند ملیتی و آمریکایی، حتی قادر به انجام تعهد خود در مقابل فروش ۲۰ درصد سهام خود به ایران نشد و با توصیه آمریکا آن را به ترکیه و دیگر کشورها فروخت. ارمنستان به خوبی می‌داند که باکو در صورت قدرت‌گیری نه تنها به بازپس‌گیری قره‌باغ بلکه تصرف زنگه زور (باریکه جنوبی ارمنستان به عرض حدود ۴۰ کیلومتر) و اتصال نخجوان به خاک اصلی آذربایجان اقدام خواهد نمود. به همین جهت درباره مذاکرات قره‌باغ بسیار حساب شده و با دقت و با در نظر گرفتن تمامی جوانب حرکت می‌کند در این راه حمایت‌های روسیه را نیز به‌همراه دارد. شورای امنیت روسیه از نزدیکی آذربایجان به غرب بیمناک است و حضور غربی‌ها را در مرزهای جنوبی خود در آذربایجان تهدیدی برای داغستان می‌داند.

در اوایل فوریه سال ۱۹۹۹ وفا قلی زاده مشاور رئیس‌جمهور آذربایجان در امور سیاسی در مصاحبه با روزنامه «اوراسیا» چاپ باکو اعلام کرد که آذربایجان از ناتو می‌خواهد تا در شبه جزیره آبشرون پایگاه نظامی دایر کند. بنا به اظهار او، چون امنیت آذربایجان در خطراست، استقرار پایگاه‌های آمریکا، ترکیه و ناتو برای امنیت این کشور ضروری است. مشاور رئیس‌جمهور آذربایجان با تأکید بر اینکه وی به روسیه اعتماد ندارد و اگر روسیه در



صده جنگ با جمهوری آذربایجان و ترکیه است، باید به آن اعتراف کنند، افزود با وجود تحولات روسیه در این گونه زمینه‌ها، دولت ترکیه هیچ واکنشی نسبت به روسیه از خود نشان نمی‌دهد.<sup>۱</sup> مقامات آذری علاقه بسیار دارند که برای تأمین امنیت سیاسی، نظامی و اقتصادی از کمک هم پیمانان غیر منطقه ای خود از جمله ایالات متحده آمریکا (ناتو) و اسرائیل (مخالفان سرسخت ایران و ارمنستان) و ترکیه بهره مند شوند و قفقاز را به سوی نظامی شدن بکشانند و ایران، ارمنستان و روسیه را به چالش بکشند. در شرایط کنونی به نظر می‌رسد علی‌اف بتواند به خوبی از اهرم قره‌باغ برای رسیدن به نیات خود بهره‌برداری کند.

اکنون آذربایجان پس از بهره‌برداری از خط انتقال نفت «باکو - سوپسا» در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۹۹، بهانه خوبی برای حضور نظامیان خارجی دارد که از آنها برای تضمین امنیت خطوط لوله استفاده کند و به همین منظور است که اعطای امتیاز پایگاه نظامی به ترکیه و ناتو را در شبه جزیره آبشرون مطرح می‌کند. موقعیت نظامی - راهبردی این شبه جزیره با دماغه و پیشرفتگی بداخل دریای خزر و درست در مرکز آن، طوری است که در صورت ایجاد پایگاه نظامی برای ناتو، نیروهای نظامی خواهند توانست بر تمام منطقه نفتی خزر و تمام سواحل و آبهای دریا تسلط داشته باشند. غیر نظامی کردن قفقاز جنوبی تنها راه نجات منطقه از تنش‌ها و درگیری‌های آتی است.

بیماری حیدر علی‌اف و غیبت موقتی او از صحنه سیاسی آذربایجان در اوایل سال ۱۹۹۹ و اقامت او در ترکیه برای مداوا، این شبهه را به وجود آورد که بیماری او سخت است و آذربایجان باید در فکر انتخاب رئیس جمهور جدید باشد. اگرچه از مدت‌ها قبل توسط حزب رئیس جمهور «ینی آذربایجان» (آذربایجان نوین) الهام علی‌اف، فرزند رئیس جمهور (و معاون اول شرکت دولتی نفت آذربایجان) به عنوان رئیس جمهور آینده معرفی می‌شود و در ارگان حزب و سایر رسانه‌های دولتی برای او تبلیغ می‌شود، ولی آینده آذربایجان در هاله‌ای از ابهام است. حزب ینی آذربایجان از سال ۱۹۹۲ فعالیت می‌کند و رهبری آن را حیدر علی‌اف به عهده دارد و ۷۰ کرسی از ۸۵ کرسی مجلس ملی آذربایجان را در دست دارد. نباید از نظر دور داشت که در صورت عدم بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی در دوره حیات سیاسی علی‌اف، حزب «ینی آذربایجان» و رهبر آینده آن، الهام علی‌اف شانس چندانی را برای به‌دست‌گیری



ریاست جمهوری نخواهند داشت و مخالفان زیادی وجود دارد که پس از علی‌اف امکان ابراز وجود خواهند داشت. آذربایجان پس از علی‌اف، همانند موارد مشابه در جهان سوم، با تنش‌های داخلی پس از رهبری و دوره‌ای از بی‌ثباتی روبرو خواهد بود و بدهی‌های میلیاردی دلاری ثبات اقتصادی آن را تهدید خواهد کرد.

فکر اعطای پایگاه نظامی به ترکیه و ناتو، بیشتر در جهت مقابله با تجهیز و تسلیح ارمنستان از سوی مسکو توجیه می‌شود. به طوری که در دیدار وزیر دفاع آذربایجان با سفیر و وابسته نظامی آمریکا در باکو در مارس ۱۹۹۹، وزیر دفاع آذربایجان یکی از دلایل طولانی شدن مناقشه قره‌باغ را تجهیز ارمنستان با سلاح‌های پیشرفته روسی از جمله بمب‌افکن‌های مدرن میگ ۲۹ و موشک‌های اس ۳۰۰ عنوان کرد.<sup>۱</sup>

در ۲۳ ژوئن ۱۹۹۹ در پایان اجلاس نمایندگان کشورهای قفقاز و اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ بیانیه‌ای انتشار یافت. در این بیانیه با اشاره به اینکه ادامه بحران‌ها در منطقه قفقاز در راه توسعه سیاسی، اقتصادی و همکاری مشترک سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان مانع بزرگی ایجاد کرده‌اند، خواستار تلاش کشورهای منطقه برای حل و فصل بحران‌ها و بازگشت صلح و آرامش به این منطقه شده‌اند.<sup>۲</sup>

در پی آن، وزیر امور خارجه آذربایجان از ناتو و اتحادیه اروپا خواست تا به طور فعال در حل و فصل بحران قره‌باغ، همانند بحران کوزوو بر خورد عملی کنند.<sup>۳</sup> بدین ترتیب آذربایجان به‌هرنحو ممکن می‌خواهد مسأله قره‌باغ را حل کند. به نظر می‌رسد فرصت کمی برای آذربایجان باقی است تا بتواند به هر نحو ممکن از این بحران رهایی یابد و در زمینه ساماندهی اقتصادی و پاسخ به صدها هزار بیکار و میلیون‌ها نفر از مردم آواره جنگی و خانوارهای بی‌سرپرست پاسخگو باشد. دولتمردان ارمنستان با درک عمیق این موضوع می‌توانند با برگ برنده بر سر میز مذاکره بنشینند. این بحران در دوره علی‌اف به بن‌بست رسیده و در دوره او نیز قابل حل است. او سیاستمداری برجسته و کهنه کار است و توانسته است روس‌هایی را که حامی او بودند و او را بر مسند قدرت نشاندهند، پس بزنند. بنابراین می‌تواند هر نوع صلحی را با هر نوع نتایج آن برای مردم خود توجیه کند، همان طور که تمام شکست‌ها

۲. روزنامه اطلاعات مورخ ۷۸/۴/۲

۱. روزنامه خرداد مورخ ۷۷/۱۱/۲۴

۳. روزنامه اطلاعات مورخ ۷۸/۵/۲



را توجیه کرده است. پس از علی‌اف منطقه آینده روشنی از مناسبات دو جمهوری همسایه ندارد. آغاز بحران در داغستان که وفاقلی زاده مشاور سیاسی علی‌اف از آن حمایت و خشم روسیه را برانگیخت<sup>۱</sup> در آینده می‌تواند آذربایجان را نیز فرا بگیرد.

## تلفات و خسارات جنگ قره‌باغ

با توجه به این که در این جنگ مناطق بسیاری علاوه بر قره‌باغ کوهستانی توسط ارامنه اشغال شده‌است (هرچند در قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد تا کنون از شناسایی ارمنستان به عنوان متجاوز، بنا به دلایلی اجتناب شده است) بنابراین خسارت‌های ناشی از اشغال متوجه مناطق اشغالی آذربایجان است. در زیر خلاصه‌ای از این خسارات آورده می‌شود:

### ۱. مناطق اشغالی

اشغال کلیه نواحی استان خود مختار قره‌باغ کوهستانی (که بیش از ۳۰ درصد ساکنان آن را آذری‌ها تشکیل می‌دادند) بانضمام ۷ ناحیه پیرامون قره‌باغ، شامل نواحی: «لاچین»، «گلبجر»، «قبادلی»، «زنگیلان»، «جبراییل»، «آق‌دام» و «فضولی» و ویرانی اغلب این نواحی در زمان حمله ارامنه برای تصرف این مناطق. نیروهای ارمنی در ۱۲ ناحیه آذربایجان برابر ۲۰ درصد کل مساحت آذربایجان، ۷۰۰ نقطه شهری و روستایی را به اشغال خود درآورده‌اند.

### ۲. تعداد تلفات

بیش از ۲۰ هزار نفر آذربایجانی در این جنگ کشته شده و حدود ۴ هزار نفر نیز به اسارت نیروهای ارمنستان در آمده‌اند که ۷۱ نفر را کودکان، ۳۲۰ نفر را زنان و ۱۷۳ نفر را سالمندان تشکیل می‌دهد که در نقاط مختلف مناطق اشغالی نگهداری می‌شوند. فاجعه قتل عام اهالی شهر «خوجالی» (در قره‌باغ) در ۲۶ فوریه سال ۱۹۹۲ به عنوان فجیع‌ترین و وحشیانه‌ترین کشتار قرن لقب گرفت. آوارگی بیش از یک میلیون نفر از ساکنان مناطق اشغالی و آذری‌های اخراج شده اجباری از ارمنستان از دیگر مصائب این جنگ خانمانسوز است. بی‌شک تعداد زیادی از ارامنه نیز در این جنگ خانمانسوز کشته شده‌اند.



## ۳. خسارت به مؤسسات

در اراضی اشغالی نزدیک به ۴ هزار مؤسسه صنعتی و کشاورزی، ۱۸۰ هزار واحد مسکونی به مساحت ۶ میلیون مترمربع، حدود یکهزار مؤسسه آموزشی و پرورشی، نزدیک به ۳ هزار واحد فرهنگی هنری و بیش از ۷۰۰ مؤسسه بهداشتی درمانی از طرف نیروهای مهاجم ویران شده است.<sup>۱</sup>

## صدور قطعنامه‌های سازمان ملل درباره قره باغ

نخستین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در ۳۰ آوریل سال ۱۹۹۳ به شماره ۸۲۲ صادر شد. این قطعنامه پس از اشغال ناحیه «کلیج» آذربایجان توسط ارامنه صادر و از دو طرف خواسته شده بود ضمن آتش بس نسبت به رعایت حقوق شهروندان غیر نظامی اقدام نموده و با احترام به تمامیت ارضی، در چارچوب گروه مینسک کنفرانس امنیت و همکاری اروپا مسایل خود را از راه مذاکره حل و فصل کنند.

دومین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در ۲۹ ژوئیه سال ۱۹۹۳ به شماره ۸۵۳ صادر شد. این قطعنامه پس از اشغال ناحیه «آغدام» آذربایجان توسط ارامنه، براساس گزارش دبیر گروه مینسک کنفرانس امنیت و همکاری اروپا صادر و طی آن با ابراز نگرانی از درگیری و تنش بین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان از دو طرف خواسته شده بود ضمن آتش بس نسبت به رعایت مفاد قطعنامه ۸۲۲ در مورد حقوق شهروندان اقدام نمایند. همچنین با اعلام نگرانی شدید از روند جابجایی اجباری شهروندان غیر نظامی آذربایجان از طرفین خواسته شده بود که با احترام به تمامیت ارضی یکدیگر، در چارچوب گروه مینسک کنفرانس امنیت و همکاری اروپا مسایل خود را از راه مذاکره حل و فصل کنند. در این قطعنامه خروج نیروهای اشغالگر از مناطق اشغالی آغدام خواستار شده و از کشورهای دیگر خواسته شده بود تا از هرگونه ارسال اسلحه و کمک‌های نظامی به طرفین بشدت اجتناب کنند.

سومین قطعنامه به شماره ۸۷۴ در تاریخ ۱۴ اکتبر سال ۱۹۹۳ در پی تشدید درگیری بین دو جمهوری و سیل آوارگان جنگی آذری از مناطق اشغالی به سوی شرق جمهوری

1. Aggression of the Republic of Armenia Against the Republic of Azerbaijan - Sharq - Qarb Publisher - Baku, 1994



صادر شد. در این قطعنامه با اشاره به مذاکرات مقامات عالی‌رتبه دو جمهوری در ۸ اکتبر ۱۹۹۳ در مسکو، اظهار امیدواری شده بود که طرفین به مذاکرات خود ادامه داده و اقدامات سازنده خود را برای برقرای صلح و پایان درگیری ادامه دهند. علاوه بر آن همچون دیگر قطعنامه‌ها در این قطعنامه نیز از طرفین خواسته شده است به تمامیت ارضی یکدیگر احترام بگذارند و آتش بس دائمی حاصل از نتایج مساعدت‌های فدراسیون روسیه و گروه مینسک کنفرانس امنیت و همکاری اروپا را رعایت نمایند. همچنین از جابجایی تعداد زیادی از افراد غیر نظامی خودداری ورزند.

صدور چهارمین قطعنامه به شماره ۸۸۴ در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۹۳ پس از حمله گسترده نیروهای ارمنی در ناحیه زنگیلان و دیگر نواحی باقی مانده در جنوب قره‌باغ و حذف فاصل رود ارس در مرز ایران صورت گرفت. در این حمله ارتباط کلیه نواحی اشغالی با مرز خارجی قطع و مرزهای ارمنستان با ایران از ۴۰ کیلومتر قبل از اشغالی قره‌باغ به حدود ۱۲۰ کیلومتر رسید و از نقطه مرزی آذربایجان و ارمنستان به سوی شرق تا هورادیز را دربر گرفت. در این قطعنامه نیز دیگر بار از طرفین خواسته شده به مذاکرات خود در چارچوب گروه مینسک ادامه دهند و با رعایت مفاد قطعنامه‌های صادره قبلی، از نیروهای اشغالگر خواسته شده تا نسبت به تخلیه اراضی اشغالی زنگیلان و شهر هورادیز اقدام نماید.

در تمام این قطعنامه‌ها از نیروهای اشغالگر بدون ذکر نام آنها یاد شده است. این نوع قطعنامه‌ها اصولاً هیچ تأثیری در روند جنگ نداشت. اگر شورای امنیت بموقع اقدام می‌کرد و نیروهای پاسدار صلح خود را به موقع در ناحیه درگیری مستقر می‌کرد، شاید جنگ قره‌باغ به این وضعیت دچار نمی‌شد.

### نتایج غیر مستقیم جنگ در ژئوپلیتیک منطقه

- کاهش نفوذ روسیه در قفقاز به ویژه در آذربایجان و گرجستان و تمایل شدید آنان به غرب، اخراج تدریجی روسیه از صحنه نظامی سیاسی و اقتصادی این دو جمهوری و خروج نیروهای مرزبانی روسیه از گرجستان، تعطیلی احتمالی چهار پایگاه نظامی روسیه در گرجستان و پایگاه رادار پیشرفته روسیه در قبله آذربایجان در آینده نزدیک. پس از تثبیت اوضاع داخلی روسیه و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان، حذف روسیه از قفقاز جنوبی



- با واکنش‌های زیادی روبرو خواهد بود که احتمال تنش در منطقه بیشتر خواهد بود.
- گرایش بیشتر ارمنستان به روسیه و انعقاد پیمان نظامی راهبردی با روسیه
- تمایل روسیه به همکاری‌های بیشتر با ایران در تمامی زمینه‌های مورد علاقه دوطرف
- افزایش حضور آمریکا و غرب در بسیاری از زمینه‌های سیاسی و اقتصادی منطقه
- ورود اسرائیل به منطقه و ایجاد زمینه‌های بی ثباتی در منطقه با انعقاد پیمان همکاری‌های نظامی ترکیه و اسرائیل
- پیوستن جمهوری‌های گرجستان و آذربایجان به طرح مشارکت برای صلح ناتو و ایجاد زمینه لازم برای پیوستن آنها به ناتو در سالهای آینده
- برگزاری تمرین‌های نظامی مشترک گرجستان و آذربایجان با ناتو برای آمادگی رویارویی با روسیه
- افزایش نقش و حضور فعال ترکیه در منطقه و گسترش مناسبات با گرجستان و آذربایجان

## یادداشتها

۱. سرژ آفاناسیان - ارمنستان، آذربایجان، گرجستان از استقلال تا استقرار رژیم شوروی ۱۹۲۳ - ۱۹۱۷، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، انتشارات معین - تهران ۱۳۷۰
۲. تقریم جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۲۰ - انتشارات وزارت خارجه روسیه شوروی
۳. ف. اسدوف؛ س. کریموا. کسانی که روسیه تزاری را به قفقاز فراخواندند. انتشارات گنجلیک، باکو ۱۹۹۳
۴. تاریخ ارمنستان - نوشته هراند پاسدار ماجیان - ترجمه محمدقاضی - انتشارات زرین چاپ دوم ۱۳۶۹.
۵. امیراحمدی، بهرام - قره باغ: از دیرباز تا کنون - فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شمار ۴، بهار ۱۳۷۴
۶. توماس گولتز - نا آرامی در قفقاز و دستهای پنهان - فارین پالیسی، پائیز ۱۹۹۳، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، به نقل از روزنامه اطلاعات ۱۹ - ۲۱ دی ۱۳۷۲
۷. تاریخ آذربایجان - محمود اسماعیل - انتشارات دائرةالمعارف آذربایجان - باکو ۱۹۹۷.
۸. واقف آرزومانی، ناظم مصطفی - تاریخین قارا صحیفه لری (برگهای سیاه تاریخ) - انتشارات قارتال، باکو ۱۹۹۸.
۹. محمد سعید اردوبادی - قانلی سنه لر (سالهای خونین) - باکو - ۱۹۹۲

10. Georgia, Armenia, Azerbaijan - Country Profile, E.I.U. 1995 - 96, London 1999

11. Caucasian Knot, Chorbajian, L. and Others, Zed Books. 1994 London

12. Aggression of the Republic of Armenia Against the Republic of Azerbaijan - Baku, 1994